

فرهنگ یانیق یا کورا-ارس؛ تاکیدی بر عنوان کورا-ارس براساس مطالعات آماری

رضا رضالو

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

Reza_rezaloo@yahoo.com

نسرین زبان‌بند

دانشجوی دکترای باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۱۷

(از ص ۷ تا ۲۰)

چکیده

پراکندگی سفال «کورا-ارس» در گستره وسیعی از خاور نزدیک، از شمال شرقی آناتولی تا جنوب لوانت در هزاره ۴ و ۳ ق.م. موضوع بحث و پژوهش بسیاری بوده است. مقاله حاضر، نتایج مطالعات گونه‌شناختی و مقایسه‌های سفالی انجام گرفته بر روی ۶ محوطه عصر مفرغ قدیم در شمال غرب ایران را نشان می‌دهد. در این تحلیل، مجموعه سفالی محوطه یانیق که گاهی از آن با عنوان مصطلح «فرهنگ یانیق» یاد می‌شود، به‌عنوان مجموعه مرجع برای مقایسه در نظر گرفته شده است و مجموعه‌های سفالی محوطه‌های «گوی‌تپه»، «هفتوان‌تپه»، «کهنه‌پاسگاه»، «کهنه‌تپه» و «کول‌تپه» جلفا، با ۸۵ نوع از این مجموعه که به تفصیل در پایان‌نامه سامرز^۱ آورده شده است، مقایسه گردیده‌اند. در گام نخست، ۴۹۶ قطعه سفال از ۵ محوطه در ۴ گروه گونه‌شناسی گردید؛ در گام بعدی، نمونه‌ها با مجموعه سفالی یانیق مقایسه و میزان شباهت نمونه‌های قابل مقایسه در جداول مربوط به هر محوطه ثبت شده است. سفال‌های مقایسه شده همانندی‌هایی را با ۳۷ نوع از ظروف یانیق نشان می‌دهند که ۱۵ نوع آن شامل تنوعی از کاسه‌ها و ۱۹ نوع شامل انواعی از سبوها است؛ در بین این محوطه‌ها، کول‌تپه جلفا با ۱۴ نوع و محوطه کهنه‌پاسگاه با ۶ نوع، به ترتیب بیشترین و کم‌ترین شباهت را با مجموعه سفالی یانیق نشان می‌دهند. در مجموع فرم و شکل مجموعه‌های سفالی مقایسه‌شده، شواهد اندکی از حضور سفال یانیق را در مناطق دیگر شمال غرب نشان می‌دهند و شاید با احتیاط بتوان گفت که بین این محوطه با محوطه‌های دیگر، برهم‌کنش بین محوطه‌ای اتفاق نیفتاده است و هم‌گونی قابل ملاحظه‌ای، به‌غیر از ویژگی‌های فنی در مجموعه‌های سفالی محوطه‌ها دیده نمی‌شود. مقایسات انجام گرفته در راستای تأکید بر استفاده از اصطلاح کورا-ارس، برای اطلاق به فرهنگ عصر مفرغ قدیم در این حوضه جغرافیایی که غرب و شرق فلات مرکزی را نیز، در برمی‌گیرد بوده است؛ تا هم از تعدد عناوین استفاده شده کاسته شود و هم این که عنوانی استفاده گردد که ویژگی‌های این فرهنگ را به‌صورت جامع‌تری نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌گان: فرهنگ کورا-ارس، یانیق، عصر مفرغ قدیم، سفال، مطالعات آماری.

1. (Summers, 1984).

مقدمه

حقیقت روشنی است که فرهنگ کورا-ارس از نظر پراکندگی منطقه بسیار وسیعی را دربرگرفته است، به دلایل طبیعی، جغرافیایی، قومیتی و... تنوعات محلی از این فرهنگ توسعه یافته و هم‌گونی مواد فرهنگی در سرتاسر این منطقه وسیع، کاملاً یکسان نیست. سبک سفال در این دوره، علیرغم تعدد فرم‌های منطقه‌ای به یک تراکم بنیانی، ثبات و استاندارد کردن ویژگی‌های واحد در طی زمان رسیده و به عنوان نشانه فرهنگ کورا-ارس به رسمیت شناخته شده است. در طول نزدیک به یک سده که از شناخت فرهنگ کورا-ارس می‌گذرد، فعالیت‌های میدانی و پژوهشی بسیاری در این زمینه صورت گرفته و سفال این دوره فرهنگی با روش‌های متداول سنتی و استفاده از شیوه‌های نوین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است که ذکر همه آن‌ها در این مجال ممکن نیست؛ اما از اولین اقدامات صورت گرفته در این حوضه که به بحث‌وبررسی درباره سفال مفرغ قدیم شمال غرب ایران پرداخته است، می‌توان کاوش‌های گوی‌تپه (Brown 1951) در دشت اورمیه را نام برد که امکان مقایسه سفال مفرغ قدیم شمال غرب ایران را با مناطق دیگر فراهم کرد؛ از موارد دیگر، می‌توان به کتاب سه جلدی «ساگونا» (Sagona 1984) و پایان‌نامه «سامرز» (Summers 1984) اشاره کرد. هدف سامرز در این مطالعه، تحلیل گاهنگارانه‌ی سفال، به منظور تعیین تغییر و تفاوت‌ها در نوع، فرم و تزئین در طول دو دوره‌ی ماورای قفقاز قدیم I,II (کورا-) ارس (II,III) بوده است. از آن زمان تاکنون محوطه‌های چندی با یانیق مقایسه شده و به وجود شباهت بین داده‌های سفالی اکتفا شده است، اما کم و کیف این شباهت‌ها مورد توجه قرار نگرفته است؛ هدف این تحلیل، بررسی میزان شباهت‌ها و تفاوت‌های ۵ محوطه هفتون‌تپه، گوی‌تپه، کول‌تپه، کهنه‌تپه و کهنه‌پاسگاه با محوطه یانیق، به صورت آماری است. در این راستا انتخاب و مقایسه با یانیق، از این لحاظ صورت گرفته است که این فرهنگ عموماً با عنوان این محوطه در ایران شناخته می‌شود. نتایج این مقایسه‌ها نشان خواهد داد که استفاده از این عنوان تا چه میزان صحیح و یا اشتباه است.

پیشینه‌ی پژوهشی

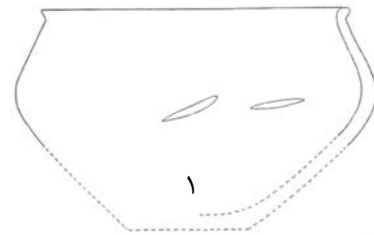
تا یک دهه قبل پژوهش‌های باستان‌شناسی انجام گرفته در دوره مفرغ قدیم در شمال غرب ایران، عمدتاً محدود به حوضه دریاچه اورمیه بود، اما با کاوش‌های انجام گرفته در حوضه سد «خداآفرین» (زلقی و آق‌الاری، ۸۷-۱۳۸۶) و بعد از آن محوطه کول‌تپه جلفا (عابدی، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۲) منطقه شمال غرب نیز، به‌طور جدی‌تر وارد مباحث حوضه شکل‌گیری و فاز انتقالی فرهنگ کورا-ارس شد و همچنین امکان مقایسه داده‌ها با محوطه‌های کاوش‌شده در دو سوی حوضه دریاچه اورمیه امکان‌پذیر گردید تا سیر توالی این فرهنگ در ایران نیز، مورد توجه قرار گیرد. در این بخش، اجمالاً خلاصه‌ای از کاوش‌های انجام‌گرفته و نتایج به‌دست آمده در ۶ محوطه کلیدی عصر مفرغ که در طی فازهایی از فرهنگ کورا-ارس مسکون بوده‌اند، آورده شده است.

فرهنگ کورا - ارس، یانیق و محوطه‌های کاوش شده در شمال غرب ایران گوی تپه

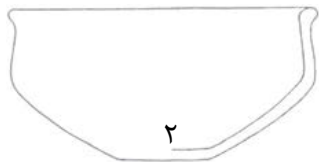
گوی تپه (Brown 1951)، در هفت کیلومتری جنوب شرقی شهر ارومیه در آذربایجان غربی قرار گرفته است. ابتدا پروفیسور «ایرپ» در سال ۱۹۰۳ م. و سپس «سر اورل استاین» در سال ۱۹۳۶ م. از این محوطه بازدید کردند (Sagona 1984: 60) و نهایتاً، «برتون براون» در سال ۱۹۴۸ م. پس از بازدید از تپه در هشت نقطه اقدام به حفر گمانه آزمایشی در جهات مختلف کرده و در نتیجه آن هشت دوره‌ی فرهنگی مشخص گردید که از قدیم به جدید، با عنوان دوره‌های N، M، K تا A نام‌گذاری گردیده‌اند (Brown 1951). دوره سوم آن، با نام دوره K، معرف عصر مفرغ قدیم بوده و حفار با توجه به تغییرات لایه‌نگاری و گونه‌شناسی سفال این دوره را به سه فاز k1، k2 و k3 تقسیم کرده است (Sagona 1984: 60). در گوی تپه، بقایای عصر مفرغ قدیم به ضخامت ۶ متر، پس از یک لایه ضخیم سوختگی، بر روی لایه مس‌وسنگ قرار گرفته است (Kushnarera 1997: 65). اشکال و نقوش تزئینی سفال‌های گوی تپه k به‌ویژه در مرحله‌ی k1، با نمونه‌های اولیه‌ی این فرهنگ مطابقت دارد؛ در اوایل این دوره، نقش‌کننده بیشتر بر روی درپوش‌های سفالین ایجاد شده و این تزئین در سفال گوی تپه k1 نیز، وجود دارد؛ دیگر ویژگی تزئینی معمول در دوره‌ی k1، وجود نقوش برجسته است. مشخصه‌ی فاز k2 ظهور نوع جدیدی از تزئین بر روی سفال است، این نوع تزئین شامل ردیفی از فرورفتگی‌های مدور بسیار کم‌عمق است که در سطح بیرونی ظرف، به‌طور افقی یا مورب ایجاد شده است (Brown 1951). در این دوره هم‌چنین، در دریاچه‌ی ارومیه، دریاچه‌ی وان، ارس میانی و تریالتی، یک نوع کاملاً منحصر به‌فردی از دسته بر روی بدنه ظروف به‌کار رفته است که اصطلاحاً، «دسته‌ی نخجوانی» نامیده می‌شود و برجسته‌ترین مشخصه دوره‌ی «مفرغ قدیم II» است؛ این نوع دسته اغلب همراه با فرورفتگی انگشتان در دو طرف آن است (Burney, 1958: 168). در گوی تپه، ابتدای مرحله‌ی k3، یک فراوانی نسبی از دسته‌های نخجوانی وجود دارد؛ اما در اواخر این دوره، این دسته‌ها به قبه‌های توپیر با فرورفتگی‌هایی در دو طرف آن، اما بدون سوراخ تبدیل شده و بیشتر تزئینی هستند تا کاربردی؛ علاوه‌بر این، در دوره‌ی K3 اشکال سفالی بیشتر مدور بوده و کم‌تر دارای اهمیت هنری هستند (Burney, 1958: 171).

یانیق تپه

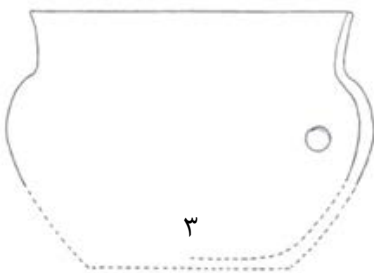
یانیق تپه، در فاصله ۳۱ کیلومتری جنوب غربی تبریز و ۶ کیلومتری خسروشهر قرار گرفته است. یانیق، تپه‌ی بزرگی است که ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف ۱۶/۵ متر و وسعت آن در حدود ۸۰ هزار متر مربع است (Burney 1962: 138). با توجه به لایه‌نگاری‌های صورت گرفته در این محوطه، سامرز در مجموع ۱۴ لایه ساختمانی با خانه‌های مدور و ۴ لایه ساختمانی با خانه‌های راست‌گوشه در دوره‌ی کورا-ارس II و III بدون هیچ وقفه‌ی زمانی نشان داده است (Summers)



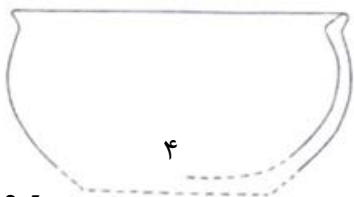
۱



۲



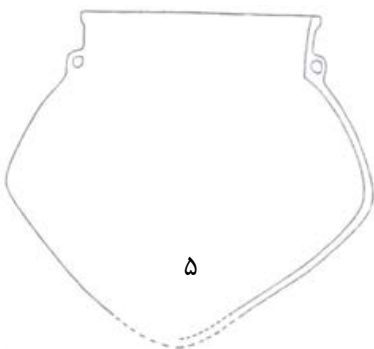
۳



۴

Scale 2:5

▲ طرح ۱: ظروف دهانه بسته، گوی تپه (براون، ۱۹۵۱)



۵



۶

Scale 1:6

▲ طرح ۲: ظروف گردن دار، گوی تپه (براون، ۱۹۵۱)

ش. سفال	نوع قطعه	گونه	توضیحات	منبع مقایسه
۱- (۳۳۰)	لبه	دهانه بسته	نوع ۱۹- شباهت فرمی. کاسه‌های پهن کم‌عمق اما عمیق‌تر از نوع ۱۸، شانه‌های مدور زاویه‌دار و لبه‌های متمایل به بیرون قطر دهانه را برابر با قطر بدنه یا اندکی کمتر می‌سازد.	Summers 1982: fig 138:15
			نوع ۱۶- شباهت فرمی. کاسه‌های متوسط با لبه‌های مسطح یا اندکی متمایل به بیرون، و دسته نخجوانی همسطح با لبه یا اندکی بالاتر.	Ibid, fig 10:9
۲- (۳۸۲)	-	دهانه بسته	نوع ۱۶- تشابه فرمی	Ibid, fig 146:4,22,26
			نوع ۱۷- تشابه فرمی. کاسه‌های کوچک از همان نوع ۱۶.	Ibid, fig 140:13
			نوع ۱۸- تشابه فرمی. کاسه‌های پهن کم‌عمق مرتبط با نوع ۱۷، اما آشکارا متمایز از آن.	Ibid, fig 130:12,21
۳- (۳۰۹)	لبه	دهانه بسته	نوع ۲۱- شباهت فرمی. کاسه‌های پهن با لبه‌های عمود یا تقریباً عمود و دسته‌هایی از پایین لبه تا شانه/یا روی شانه	Ibid, fig 78:3
			نوع ۴۴- شباهت فرمی. کاسه‌هایی با لبه‌های عمود یا اندکی برگشته و دسته‌هایی از لبه تا شانه. این نوع در ارتباط نزدیکی با نوع ۲۱ می‌باشد.	Ibid, fig 98:5
۴- (۱۰۶۴)	-	دهانه بسته	نوع ۱۹- شباهت کامل	Ibid, figs 130:22,135:9,146:20,133:3,4
۵- (۴۵)	-	گردن‌دار	نوع ۲۵- تشابه فرمی (در گوی تپه در نمونه‌های با کف نوک‌تیز گردن کوتاه و عمود می‌باشد) سیوهایی با در محل اتصال گردن و شانه اندازه متوسط. این سیوها با گردن‌های عمود یا تقریباً عمود	Ibid, fig 135:14
۶- (۶۹/۱۰۶۵)	-	گردن‌دار	نوع ۲۵- تشابه فرمی. سیوهایی با اندازه متوسط و گردن عمود یا تقریباً عمود و زاویه‌ای در محل اتصال گردن و شانه	Ibid, fig 112:5

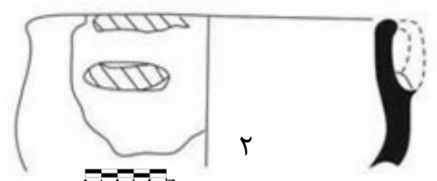
▲ جدول ۱: مقایسه سفال‌های گوی تپه (طرح ۱ و ۲)

۱. شماره‌های داخل پرانتز، شماره‌های ذکر شده در گزارش کاوش محوطه‌ها است.

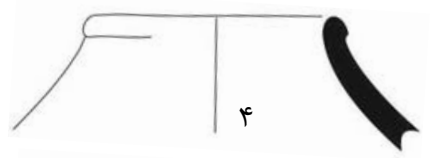
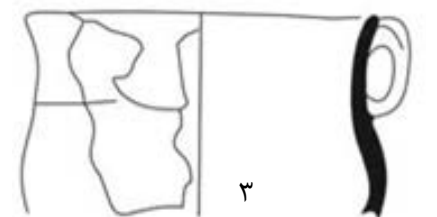
2004). تاریخ‌گذاری رادیوکربن، دوره‌ی زمانی ۲۶۵۰ تا ۲۲۰۰ ق.م. را برای دوره‌ی سوم فرهنگ کورالارس در یانیق تپه نشان می‌دهد. مهم‌ترین ویژگی سفال‌های کورالارس II (ماورای قفقاز قدیم I) یانیق تپه، ظروف صیقلی سیاه تا خاکستری با نقش کنده است، این نقوش با ماده‌ی سفیدرنگ گچ یا آهک پر شده‌اند. در یانیق، قبل از این‌که آخرین خانه‌های مدور ساخته شوند، تزئین کنده منسوخ و سفال با صیقل گرافیتی رواج می‌یابد. استانداردترین فرم شناخته شده در طول فرهنگ کورالارس II کوزه‌هایی با گردن استوانه‌ای است که در محل اتصال شانه به گردن زاویه تندی را تشکیل می‌دهند که در دوره‌ی بعد این ظروف با پایه نوک‌تیز تداوم می‌یابند. در دوره‌ی کورالارس III، تغییر اساسی در سنت‌های ساختمانی بوجود می‌آید و خانه‌های مسکونی مدور با ساختارهای راست‌گوشه جایگزین می‌شوند (Burney 1962). اشکال سفالی رایج در این دوره همان فرم‌های رایج در دوره‌ی کورالارس II یانیق تپه است، اما دسته‌های نخجوانی که در دوره‌ی دوم یانیق بسیار رایج بودند، در این دوره فقط فرم انحطاط یافته‌ای از آن‌ها را بر روی ظروف، می‌توان دید. تاریخ رادیوکربن، از این دوره در محوطه شنگاویت IV (۸۰-۲۰۲۰ ق.م.) و در یانیق تپه (۱۰۴-۲۰۸۶ و ۶۳-۱۸۱۶) را نشان می‌دهد (Burney and lang 1971).

هفتوان تپه

این محوطه، از بزرگ‌ترین تپه‌های اطراف دریاچه ارومیه است که در ۱۵ کیلومتری شمال غربی دریاچه، در وسط جلگه حاصل‌خیز سلماس، در استان آذربایجان غربی قرار گرفته است. ابعاد تپه ۶۰۰ متر در جهت شرقی-غربی و ۵۰۰ متر در جهت شمالی-جنوبی است (Burney 1970: 159-160). در پنج فصل کاوش هفتوان، هشت دوره‌ی فرهنگی از مفرغ قدیم تا دوره‌ی ساسانیان شناسایی شده است که استمرار و پیوستگی زمانی در بین آن‌ها وجود دارد؛ از این میان دوره‌های



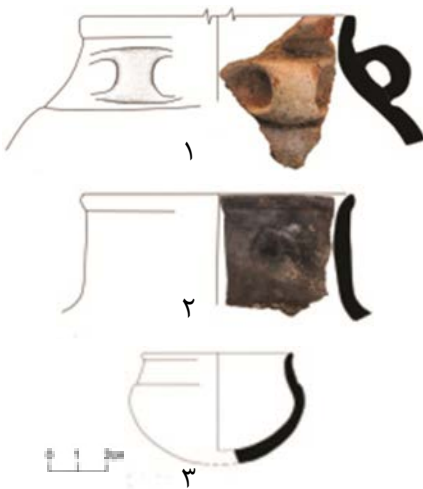
▲ طرح ۳: ظروف دهانه بسته، هفتوان تپه (سامرز، ۱۹۸۴).



▲ طرح ۴: ظروف گردن‌دار، هفتوان تپه (سامرز، ۱۹۸۴).

ش. سفال	نوع قطعه	گونه	توضیحات	منبع مقایسه
۱-(۱۴۸:۱۳)	لبه	دهانه‌بسته	نوع ۱۹- شباهت فرمی (نمونه یانیق با لبه گرد مایل به بیرون می‌باشد در صورتی که این نمونه با لبه ساده است).	Summers 1982, fig 145:6
۲-(۱۴۹:۱۶)	لبه	دهانه‌بسته	نوع ۱۹- شباهت فرمی	Ibid, fig 145:21,7
۳-(۱۴۹:۲۴)	لبه	گردن‌دار	نوع ۲۴- شباهت فرمی- فنجان‌های دهانه باز که در برش عمودی/نما کاملا متفاوت هستند، در همه نمونه‌ها دسته از لبه تا شانه. در دو مورد دسته‌های نخجوانی در پایین گردن	Ibid, fig 145:13
۴-(۱۵۰:۳۸)	لبه	گردن‌دار	نوع ۵۲- شباهت کامل(لبه گرد مایل به بیرون)	Ibid, fig 146:12
۵-(۱۵۰:۳۵)	لبه	گردن‌دار	نوع ۵۱- شباهت فرمی.	Ibid, fig 125:21

▲ جدول ۲: مقایسه سفال‌های هفتون تپه (طرح ۳ و ۴).



▲ طرح ۵: ظروف گردن‌دار، کول تپه (عابدی، ۱۳۹۰).



▲ طرح ۶: ظروف دهانه عمود، کول تپه (عابدی، ۱۳۹۰).

فرهنگی هفتون VIII و VII مربوط به فرهنگ کورا-ارس II و III می‌باشند (Bur-ney 1975). قدیمی‌ترین بقایایی که از این دوره به دست آمده است، مربوط به هفتون VIII و هم‌زمان با فرهنگ کورا-ارس II است؛ این ساختار معماری قسمت وسیعی از یک خانه مدور بزرگ، قابل مقایسه با ساختارهایی مشابه در یانیق تپه است. تاریخ‌گذاری این سازه مدور در ترانشه TT9، به اواخر توالی لایه‌های چهارده‌گانه خانه‌های مدور در یانیق تپه بر می‌گردد و بنابراین به ربع سوم هزاره‌ی سوم ق.م. یا حتی متأخرتر، تاریخ‌گذاری می‌شود. این تاریخ‌گذاری، نه فقط به وسیله‌ی مقیاس خانه، هم‌چنین براساس سفال (بدون تزئین کننده) و ظروف با صیقل‌گرافیتی تأیید می‌شود (Burney, 1975: 150). در هفتون VII، همان تغییری که در بافت معماری دوره‌ی دوم یانیق رخ داد، در این محوطه نیز، مشاهده می‌شود. در این دوره، بدون هیچ‌گونه خلاء زمانی معماری، به‌طور کامل از پلان مدور به راست‌گوشه تغییر کرده و این تغییر به احتمال، در نتیجه افزایش جمعیت اتفاق افتاده است (Burney, 1972: 129).

کول تپه

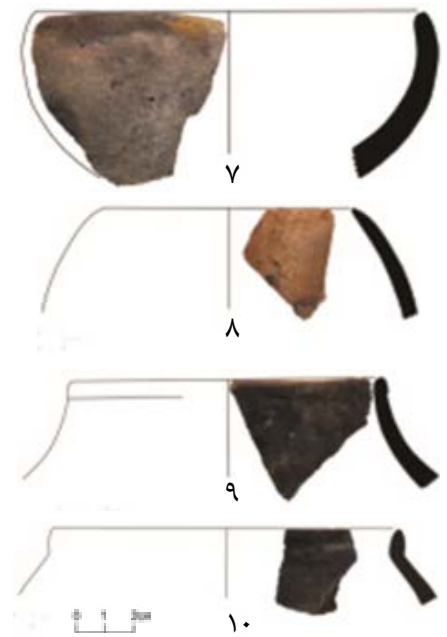
محوطه کول تپه جلفا، با مساحت ۴-۶ هکتار و ارتفاع ۱۹ متر از سطح زمین‌های اطراف، در ضلع غربی شهر هادیشهر (جلفا) قرار گرفته است. این محوطه، جزء معدود محوطه‌های شمال غرب ایران است که کاوش آن بررسی وضعیت فرهنگی دوره مس‌سنگی جدید منطقه و به‌دنبال آن، چگونگی فاز انتقالی (Transitional) و شکل‌گیری، فاز I، II، III، فرهنگ کورا-ارس را امکان‌پذیر ساخت. این نتایج، در پی کاوش ۲۴ متر نهشته فرهنگی مشخص گردید که از این میان ۳/۵-۴ متر از آثار متعلق به دوره مس‌وسنگ جدید، ۳/۵-۳ متر متعلق به فاز شکل‌گیری و I کورا-ارس، ۱۳-۱۳/۵ متر متعلق به مفرغ قدیم، ۱ متر متعلق به مفرغ میانی و جدید با «سفال‌های نوع اورمیه» و در نهایت ۱/۵ متر متعلق به دوره آهن III (اورارتویی و هخامنشی «؟») است. بدلیل موقعیت خاص محوطه کول تپه و قرارگرفتن در گذرگاه منطقه قفقاز جنوبی به منطقه شمال غرب ایران و داخل فلات ایران، می‌توان از این محوطه، به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین محوطه‌های عصر مفرغ شمال غرب ایران نام برد که نقش بسزا و کلیدی در انتقال این فرهنگ به داخل فلات ایران داشته است (Abedi et al. 2014).

ش. سفال	نوع قطعه	گونه	توضیحات	منبع مقایسه
(L.2028:1)-1	لبه	گردن دار	نوع ۵۲- شباهت فرمی	Summers 1982, fig 33: 11-10, 53: 14
(L.2043:1)-2	لبه	گردن دار	نوع ۲۵- شباهت فرمی تا کامل	Ibid, fig 115:12-13, 117:13, 124:16
(L.2030:1)-3	لبه	گردن دار	نوع ۴۹- شباهت فرمی ضعیف- سیوهای پهن کوچک، با دیواره و گردن- هایی که مایل به داخل هستند.	Ibid, fig 44:2
(L.2020:۴)-4	لبه	گردن دار	نوع ۵۲- شباهت فرمی	Ibid, fig 137:6
(L.2030:2)-5	لبه	دهانه عمود	نوع ۴۴- شباهت فرمی	Ibid, fig 33:9
(L.1058:6)-6	لبه	دهانه عمود	شباهت کامل (فاقد دسته)	Summers 1982, fig 47:1
(L.2028:2)-7	لبه	دهانه بسته	نوع ۳- شباهت کامل- کاسه‌های نیمگروی با دهانه اندکی بسته	Summers 1982, fig 66:6, 68:1
(L.2053:4)-8	لبه	دهانه بسته	کاسه ساده با دهانه سوراخ‌دار شباهت کامل	Ibid, fig 4:3
(L.2036:4)-9	لبه	گردن دار	نوع ۵۱- شباهت فرمی- سیوهایی با گردن‌های مایل به داخل و لبه ساده عمود	Ibid, fig 16:6 Ibid, fig 125:22
(L.2045:2)-10	لبه	دهانه بسته	نوع ۵۳- شباهت فرمی	Ibid, fig 29:8

▲ جدول ۳: مقایسه سفال‌های کول تپه (طرح ۵، ۶، ۷)

کهنه تپه‌سی

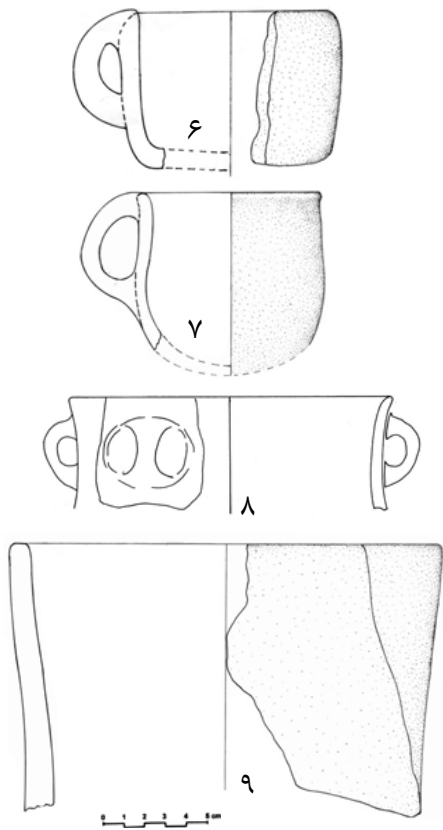
کهنه تپه‌سی، در استان آذربایجان شرقی، شهرستان کلیبر، دهستان مینجان شرقی و مابین روستاهای مفروضو و شجاعلو، در ساحل جنوبی رود ارس، در منطقه خداآفرین قرار گرفته است. طول این تپه ۷۷ متر و عرض آن ۴۴ متر و ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف ۷ متر است (زلقی و آقالاری، ۱۳۸۶). این محوطه، به‌عنوان بخشی از پروژه کاوش‌های نجات‌بخشی -حوضه سد خداآفرین- در تیرماه سال ۱۳۸۶، مورد کاوش قرار گرفت. در مجموع، در این فصل ۱۳ ترانشه در بخش‌های مختلف تپه ایجاد شد؛ در ترانشه‌های L، B و P بخش‌هایی از ساختارهای راست‌گوشه به‌دست آمده است که در ترانشه L ساختار کاوش شده، به‌صورت مقبره تدفینی است (همان). از جمله مهم‌ترین مواد فرهنگی در اولین فصل کاوش محوطه کهنه تپه‌سی، سفال‌های به‌دست آمده از ترانشه‌هایی است که در قسمت‌های مختلف تپه ایجاد شده بودند. براساس مقایسه گونه‌های سفالی، به نظر می‌رسد کهنه تپه، احتمالاً در اواخر هزاره پنجم مسکون شده است؛ سپس وقفه‌ای در استقرار به‌وجود آمده، مجدداً از اواخر هزاره چهارم تا اوایل هزاره دوم ق.م. به‌طور مداوم مسکون بوده است که با فرهنگ کورا-ارس (فازهای I، II، III) هم‌پوشانی دارد؛ در فازهای I و III، این تاریخ‌گذاری مبتنی بر معدود قطعات سفالی از «مخرابلور» و «کواتس‌خلی» و نمونه‌هایی از یانیق تپه است. در این گاهنگاری، تأکید بر روی فاز II فرهنگ کورا-ارس است و این تأکید با توجه به شباهت سفالی با محوطه همجوار آن، کهنه پاسگاه است (زبان‌بند، ۱۳۸۹).



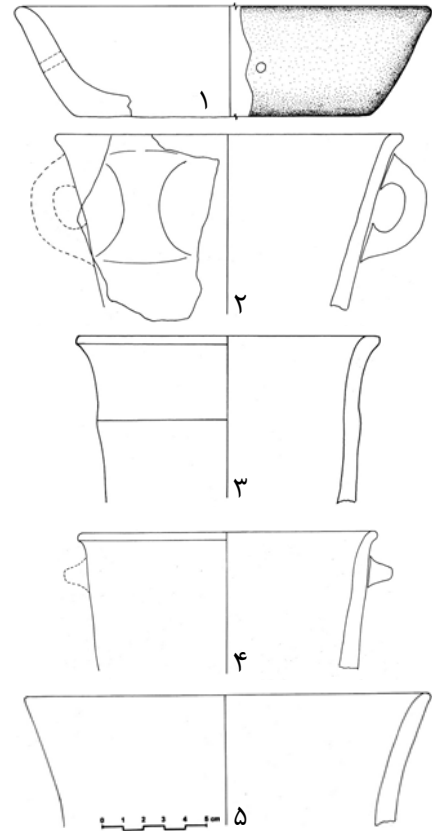
▲ طرح ۷: ظروف دهانه بسته، کول تپه (عابدی، ۱۳۹۰).

کهنه پاسگاه

کهنه پاسگاه تپه‌سی، در دلتای خداآفرین، در دره رود ارس قرار گرفته است؛ این محوطه، به‌عنوان بخشی از پروژه سد خداآفرین، در دو فصل در سال‌های ۱۳۸۶ و ۸۷ ه.ش. کاوش گردید. کهنه پاسگاه، از نقطه نظر موقعیت جغرافیایی مابین



▲ طرح ۹: ظروف دهانه عمود، کهنه تپه‌سی (زلی و آقارای، ۱۳۸۶).



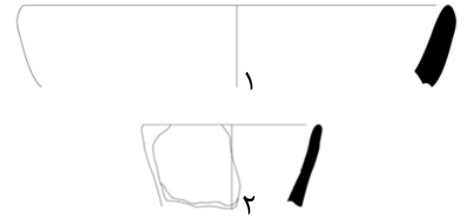
▲ طرح ۸: ظروف دهانه باز، کهنه تپه‌سی (زلی و آقارای، ۱۳۸۶).

منبع مقایسه	توضیحات	نوع گونه	نوع قطعه	ترانشه	ش.سفال
Summers1982, fig 130;5	نوع ۷۴- شباهت کامل (دسته‌دار، فاقد سوراخ)	دهانه باز	لبه، بدنه، کف	B	۱-(۱۰۰۷-۴)
Ibid, fig 26:4	نوع ۴- شباهت کامل (لبه پیچ، دیواره کاملاً یکنواخت و بصورت اریب)	دهانه باز	لبه و دسته	P	۲-(۱۵۰۱۴-۲۸)
Ibid, fig 139:10	نوع ۷۳- شباهت کامل (دسته‌دار، از لبه تا شانه) - کاسه مخروطی با لبه برگشته به خارج و دسته نخجوانی، فقط یک نمونه بدست آمده است.	دهانه باز	لبه	P	۳-(۱۵۰۱۴-۳۵)
Ibid, fig 46:2, 17:3	نوع ۶۷- شباهت کامل - گونه‌هایی از انواع ۶۶ و ۶۸، اما کوچک‌تر با قطر دهانه کمتر از ۱۰ سانتی‌متر.	دهانه باز	لبه	B	۴-(۲-۱۰۵۹)
Ibid, fig 46:2, 17:3	نوع ۶۷- شباهت کامل - گونه‌هایی از انواع ۶۶ و ۶۸، اما کوچک‌تر با قطر دهانه کمتر از ۱۰ سانتی‌متر.	دهانه باز	لبه	B	۵-(۲۳-۱۰۵۴)
Ibid, fig 100:3	نوع ۷۰- تشابه فرمی - ظروف پخت‌وپز با کف تخت و برابر با قطر دهانه، نمای دیواره ظروف از خمیدگی مایل به داخل تا عمود و اتحنای مایل به بیرون متغیر است، با دسته نخجوانی بر روی لبه.	دهانه عمود	لبه و دسته	H	۶-(۷۰۰۱-۴)
Ibid, fig 131:4	نوع ۲۴- شباهت کامل	دهانه عمود	لبه و دسته	K	۷-(۱۰۰۰۸-۳۳)
Ibid, fig 81:7	تشابه فرمی	دهانه عمود	لبه و دسته	P	۸-(۱۵۰۱۴-۲۷)
Ibid, fig 17:1	نوع ۶۴- شباهت کامل (فاقد دسته، دیواره اتحنای کمتری نسبت به این نمونه دارد)	دهانه عمود	لبه	K	۹-(۱۸-۱۰۰۰۳)

▲ جدول ۴: مقایسه سفال‌های کهنه تپه‌سی (طرح ۸ و ۹).

روستا‌های مفروضلو و شجاعلو، در شهرستان کلبیر در استان آذربایجان شرقی قرار گرفته است. وسعت باقی‌مانده از این محوطه اکنون به طول ۵۰ و عرض ۴۸ متر، و ارتفاع آن از سطح دشت اطراف ۱۸ متر است. لایه‌نگاری این محوطه، ۵ مرحله استقرار را نشان می‌دهد که مرحله I (مسوسنگ جدید) و مراحل II، III، IV، بقایای عصر مفرغ قدیم را در بر می‌گیرد؛ ضخامت این ۵ مرحله، ۴ متر است.

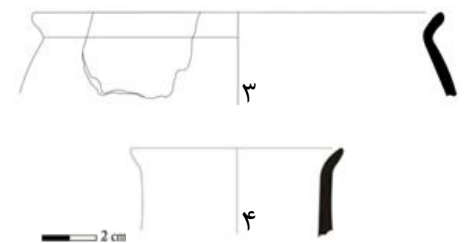
صرف‌نظر از شواهد لایه‌نگاری و تاریخ‌گذاری رادیوکربن، مقایسه سفال‌های این محوطه با محوطه‌هایی در شمال و جنوب رود ارس، تأیید کننده این موضوع است که محوطه کهنه‌پاسگاه، از دوره مس‌وسنگ جدید تا عصر مفرغ قدیم پیوسته مسکون بوده است. تاریخ‌گذاری رادیوکربن، تاریخ ۲۶۶۵-۲۸۱۷ ق.م. را برای عصر مفرغ قدیم II در محوطه به‌دست داده است (Maziyar, 2010:174-175).



▲ طرح ۱۰: ظروف دهانه باز (آقالاری، ۱۳۸۷).

طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی ظروف و قطعات سفالی و مقایسه نتایج به‌دست آمده با انواع سفالی یانیق

سفال‌هایی که در این تحلیل بر روی آن‌ها مطالعات آماری انجام گرفته است، از ۶ محوطه کاوش شده در شمال غرب ایران به‌دست آمده‌اند که به تناوب در سه فاز فرهنگ کورا-ارس، از ۲۰۰۰-۳۷۰۰/۳۵۰۰ ق.م. مسکون بوده و در تمام یا بخشی از فازها با یکدیگر هم‌زمان هستند. در این میان، محوطه یانیق، به‌عنوان محوطه شاخص مطرح است که سفال‌های پنج محوطه دیگر با آن مقایسه شده‌اند (این مقایسه به لحاظ تشابه فرمی انجام شده است).



▲ طرح ۱۱: ظروف گردن‌دار (آقالاری، ۱۳۸۷).

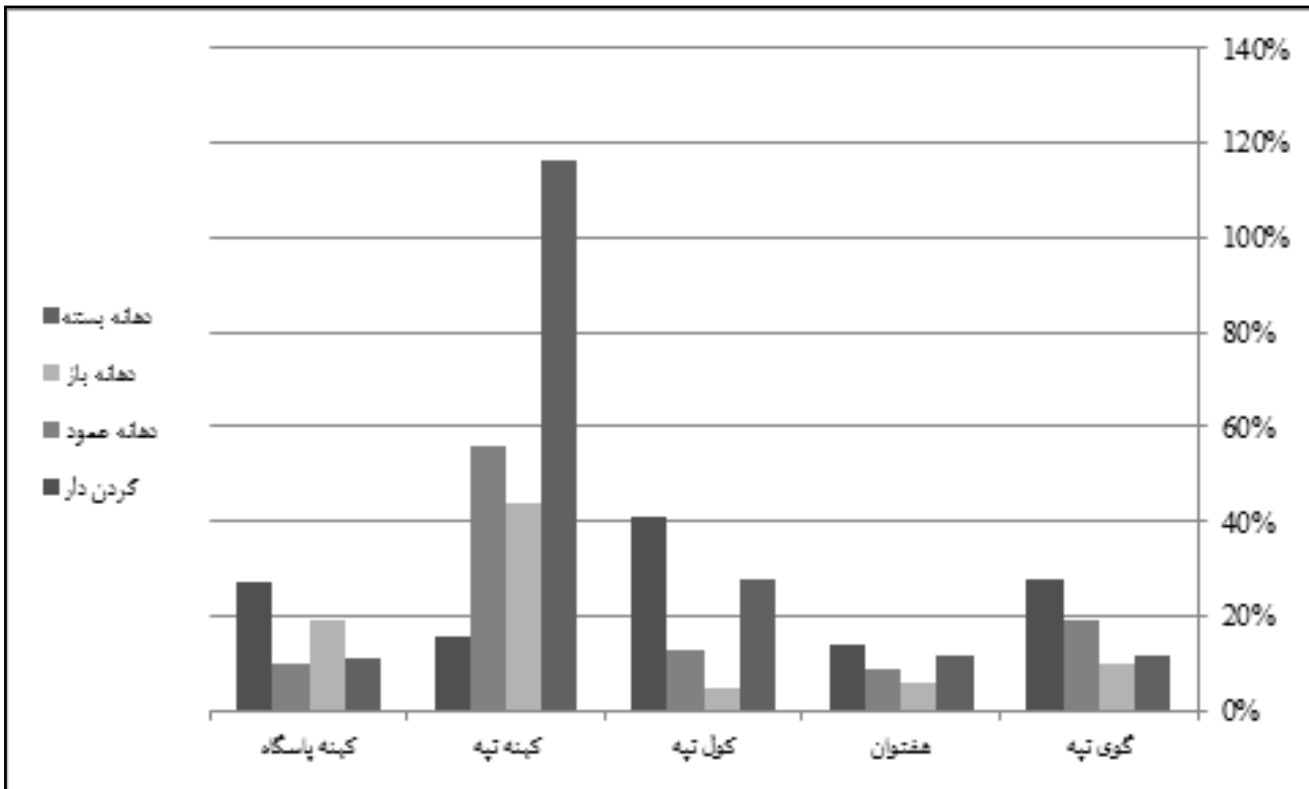
در ابتدا، ۴۹۶ قطعه سفال از ۵ محوطه گوی‌تپه، هفتوان‌تپه، کول‌تپه، کهنه‌تپه و کهنه‌پاسگاه در ۴ گروه گونه‌شناسی گردید (نمودار ۱)؛ از این تعداد ۱۷۹ قطعه مربوط به ظروف دهانه بسته، ۸۳ قطعه مربوط به ظروف دهانه باز، ۱۰۸ قطعه مربوط به ظروف دهانه عمود و ۱۲۶ قطعه مربوط به ظروف گردن‌دار است. گونه‌شناسی انجام گرفته نشان می‌دهد، ترتیب گونه‌ها در ۵ محوطه مذکور یک‌سان نیست؛ در ۳ محوطه گوی‌تپه، هفتوان‌تپه و کهنه‌پاسگاه، درصد

منبع مقایسه	توضیحات	نوع گونه	نوع قطعه	ش. سفال
Summers 1982, fig 135:5	شباهت کامل	دهانه باز	لبه	۱-(۱۰۳:۲۶)
Ibid, fig 66:8	نوع ۵- شباهت کامل	دهانه باز	لبه	۲-(۱۱۱:۶)
Ibid, fig 28:6	نوع ۴۶- شباهت کامل-سیوهایی با لبه برگشته به بیرون، قطر از ۱۵ تا ۲۸ سانتی‌متر و عمیق-تر به نسبت ظرف	گردن‌دار	لبه	۳-(۱۱۲-۱)
Ibid, fig 71:4	شباهت کامل	گردن‌دار	لبه	۴-(۱۱۴-۱۳)

▲ جدول ۵: مقایسه سفال‌های کهنه‌پاسگاه (طرح ۱۰ و ۱۱)، (نگارندگان، ۱۳۹۲).

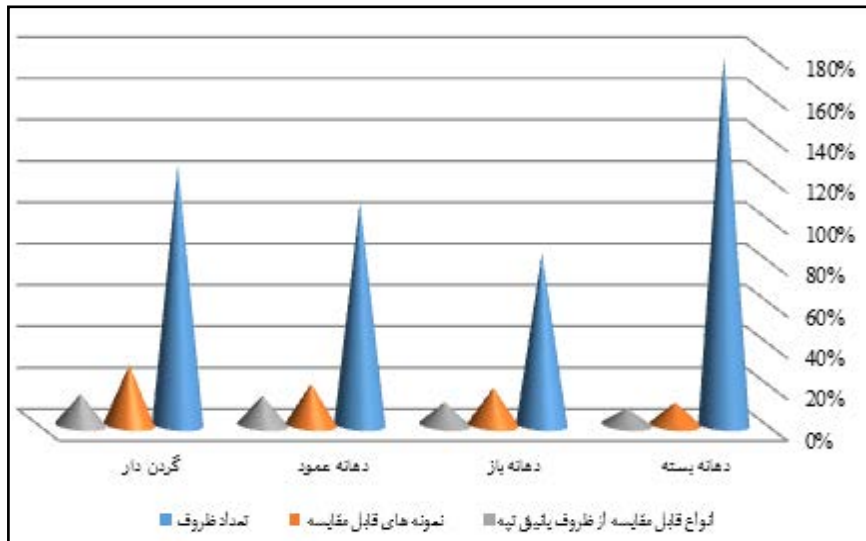
نسبت گونه ۱ به ۴	دهانه باز	دهانه عمود	دهانه بسته	گردن‌دار
۸/۲	۵	۱۳	۲۸	۴۱
۲/۸	۱۰	۱۲	۱۹	۲۸
۲/۳۳	۶	۹	۱۲	۱۴
۷/۲۵	۱۶	۴۳	۵۷	۱۱۶
۲/۷	۱۰	۱۱	۱۹	۲۷

▲ جدول ۱: درصد فراوانی گونه‌ها در محوطه‌های مقایسه شده (نگارندگان، ۱۳۹۲).



▲ نمودار ۱: فراوانی گونه‌ها در محوطه‌های مقایسه شده (نگارندگان، ۱۳۹۲).

فراوانی ۴ گونه به یکدیگر نزدیک است، ولی در کهنه تپه، تفاوت مابین ظروف دهانه بسته و گردن دار نسبت ۷,۲۵٪ را و در کول تپه، تفاوت مابین ظروف گردن دار و ظروف دهانه باز نسبت ۸,۲٪ را نشان می‌دهد. این گونه‌شناسی، هم‌چنین نشان می‌دهد که ظروف گردن دار در ۴ محوطه کول تپه، گوی تپه، هفتوان تپه و کهنه پاسگاه، بیشترین تعداد و ظروف دهانه باز کمترین تعداد را دارا هستند؛ با این استثناء که در کهنه پاسگاه، ظروف دهانه عمود کمترین تعداد را دارند (جدول ۱). در مرحله بعد، براساس گونه‌شناسی انجام گرفته، نمونه‌ها یک‌به‌یک، با مجموعه سفالی یانیق مقایسه گردید؛ نمونه‌هایی از مقایسه‌های انجام گرفته همراه با توصیف فرمی در ترسیم تصویری کامل از گونه‌ها در جداول ۵-۱ آمده است. مجموعه سفالی یانیق، در ۱۰۰ نوع طبقه‌بندی شده است که ۱۵ نوع آن شامل پیه‌سوزها، درپوش‌ها و پایه‌دیگ‌ها است (Summers 1984). قطعات سفالی محوطه‌های مورد مقایسه، با ۸۵ نوع باقی‌مانده از این مجموعه، مقایسه گردیده‌اند. نمونه‌های مقایسه‌شده، شباهت‌هایی را با ۳۷ نوع از ظروف یانیق نشان می‌دهند که ۱۵ نوع آن شامل کاسه‌ها، ۱۹ نوع شامل انواعی از سبوها و ۳ نوع باقی‌مانده؛ نوع ۷۰: دیگ‌های پخت‌وپز، نوع ۲۴: فنجان‌های با دهانه باز، نوع ۷۴: دیس‌های پهن کم‌عمق هستند. شباهت‌ها، همان‌گونه که در جداول ۵-۱ نیز، به تفصیل آمده است در بیشتر نمونه‌ها تشابه فرمی است. از این ۳۷ نوع، انواع ۵، ۱۹، ۲۴، ۲۵، ۴۴، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۷۴ بین محوطه‌ها مشترک است، البته نه به این صورت که در همه محوطه‌ها این ۹ نوع وجود دارد، بلکه مشترک بین دو محوطه است. نوع ۱۹ و ۲۵ هر کدام با ۵ نمونه، بیشترین تعداد شباهت را در بین انواع مقایسه شده دارند؛ هم‌چنین محوطه کول تپه جلقا با ۱۴ نوع و محوطه



نمودار ۲: درصد فراوانی سفال‌های مقایسه شده با محوطه یانیق (نگارندگان، ۱۳۹۲).

کول تپه	کهنه تپه	کهنه پاسگاه	گوی تپه	هفتون تپه	یانیق تپه
					۴۰۰۰
					۳۹۰۰
					۳۸۰۰
					۳۷۰۰
					۳۶۰۰
					۳۵۰۰
					۳۴۰۰
					۳۳۰۰
					۳۲۰۰
					۳۱۰۰
					۳۰۰۰
					۲۹۰۰
					۲۸۰۰
					۲۷۰۰
					۲۶۰۰
					۲۵۰۰
					۲۴۰۰
					۲۳۰۰
					۲۲۰۰
					۲۱۰۰
					۲۰۰۰
					۱۹۰۰
					۱۸۰۰
					۱۷۰۰

جدول: گاهنگاری محوطه‌ها تاریخ‌گذاری ارائه شده در دو محوطه هفتون تپه (Summers, 1984) و کهنه تپه سی (زبان‌بند، ۱۳۸۹) نسبی است. (نگارندگان، ۱۳۹۲).

کهنه پاسگاه با ۶ نوع به ترتیب بیشترین و کم‌ترین شباهت را با مجموعه سفالی یانیق نشان می‌دهند (کهنه تپه؛ ۱۰ نوع، گوی تپه و هفتون تپه؛ ۹ نوع). با وجود این که محوطه کهنه تپه بیشترین قطعات سفالی را در بین محوطه‌های مذکور

دارد، ولی شباهت زیادی را با مجموعه سفالی یانیق نشان نمی‌دهد. با توجه به مقایسه‌های انجام گرفته، باید به این نکته اشاره کرد که این مقایسه‌ها به گونه‌ای نیست که به یقین گفته شود، در همه موارد دو شکل مقایسه شده در صورت کامل بودن، کاملاً با یکدیگر منطبق خواهند بود. مقایسه‌های صورت گرفته، بر اساس فرم سفال است و جزئیاتی نظیر تزئین، محل قرارگیری دسته یا نوع دسته مدنظر نیست، با این وجود در برخی نمونه‌ها به ویژگی لبه و قرارگیری آن توجه گردیده است؛ از جمله طرح ۴- نوع ۶۶: سبوهایی با دیواره‌های مقعر و کف تخت، تقریباً برابر با قطر دهانه، نوع ۶۷: مشابه انواع ۶۸ و ۶۶ اما کوچک‌تر با قطر دهانه‌ای کم‌تر از ۱۰ سانتی‌متر، نوع ۶۴: سبوهای استوانه‌ای با دیواره‌های عمود یا اندکی پهن شده و فاقد دسته است؛ علاوه بر این، حجم تزئیناتی که در ظروف یانیق وجود دارد، به هیچ‌وجه با تزئینات سفالی محوطه‌های مورد بررسی قابل قیاس نیست و کاهش محسوسی را به لحاظ کمی و کیفی به‌ویژه در نقوش کنده و حکاکی شده نشان می‌دهد، به گونه‌ای که بیشتر نمونه‌ها فاقد تزئین هستند.

با توجه به مقایسه‌های صورت گرفته این نتایج نیز، به‌دست آمد: در محوطه گوی‌تپه از مجموع ۶۹ نمونه سفالی، ۱۳ نمونه قابل مقایسه است که نسبت ۵/۳۱٪ را نشان می‌دهد. هفتون تپه، نسبت ۴/۱٪ را در ۴۱ قطعه نشان داد. در کول تپه، از مجموع ۸۷ نمونه، در ۲۶ نمونه شباهت وجود دارد که نسبت ۳/۳۴٪ برقرار است. در کهنه‌پاسگاه، نسبت ۶/۷٪ از مجموع ۶۷ نمونه به‌دست آمد و در کهنه‌تپه، در ۱۵ قطعه از مجموع ۲۳۲ قطعه سفالی شباهت وجود دارد که نسبت ۱۵/۴۷٪ را نشان می‌دهد.

بحث

عصر مفرغ قدیم منطقه شمال غرب، بخشی از یک فرهنگ گسترده است که با عنوان فرهنگ کورا-ارس شناخته می‌شود. به‌رغم تفاوت‌های منطقه‌ای و جغرافیایی در سفال و معماری در دو بعد زمان و مکان، به این فرهنگ باعنوان یک کل نگریسته می‌شود؛ با وجود اعتقاد به هم‌گونی نسبی مواد فرهنگی در بین پژوهشگران این فرهنگ، در مورد استفاده از عنوانی واحد که در برگزیده ویژگی‌های زمانی و مکانی این پدیده باشد، پس از گذشت نزدیک به یک سده، هنوز توافق عمومی حاصل نشده است. با توجه به این که این پدیده از وسعت جغرافیایی زیادی برخوردار است و این واقعیت که باستان‌شناسان در مناطق مختلف، به‌طور هم‌زمان با این فرهنگ سفالی روبه‌رو نشدند، با اقتباس از نام منطقه یا نام محوطه‌ای که با آن سروکار داشتند، نامی برای این پدیده فرهنگی پیشنهاد داده‌اند (علیزاده، ۱۳۸۹: ۷۹). در ادبیات باستان‌شناسی ایران نیز، تا چندی قبل، کاربرد واژه یانیق مقبولیت بیشتری در بین پژوهندگان این فرهنگ داشت. براون، اولین محوطه عصر مفرغ قدیم در منطقه شمال غرب را در سال ۱۹۴۸ م. کاوش کرد (۱۹۵۱) و دایسون، اولین بار از واژه یانیق، برای اشاره به این فرهنگ استفاده کرد (Burney and Lang, 1971: 44; Dayson, 1973: 686-7). از آن زمان تاکنون محوطه‌های چندی در این منطقه بررسی و کاوش شده و برای توصیف

داده‌های فرهنگی آن‌ها از عنوان فرهنگ یانیق استفاده شده است. استفاده از واژه یانیق، ذهن را به این سو می‌کشاند که محوطه یانیق، تداوم این فرهنگ را به‌طور کامل در برمی‌گیرد. وجود فرهنگ کورا-ارس در منطقه شمال غرب اغلب به‌صورت مهاجرت‌هایی از منطقه قفقاز یا شرق آناتولی نگریسته می‌شود و این بیشتر به‌دلیل عدم شناسایی لایه‌های فاز شکل‌گیری و انتقال از دوره مس‌وسنگ جدید به فاز I عصر مفرغ قدیم بوده است؛ گرچه در سال‌های اخیر با کاوش‌های انجام گرفته، وجود فاز شکل‌گیری با اطمینان بیشتری مطرح شده است. با این وجود، به نظر می‌رسد، باید در انتظار کامل شدن این مطالعات باشیم تا بتوانیم منطقه شمال غرب ایران را نیز، به‌عنوان یکی از مناطق شکل‌گیری این فرهنگ مطرح کنیم.

ظروف سفالی، از مقولات بحث‌پذیری است که به‌طور وسیعی، به‌وسیله باستان‌شناسان در تحلیل و تفسیر محوطه‌های باستان‌شناختی خاور نزدیک استفاده می‌شود. شناخت خواص خاک و گل، بدون شک پیشرفت فکری مهمی بود و نشانه‌های یک مرحله‌شناختی مهم در اشتغال انسان و افزایش درگیری با ماده (Petrie, 2012: 279). سنت سفالی کورا-ارس، دربرگیرنده سفال‌های دست‌ساز است که به‌وسیله سطوح صیقلی سیاه، قهوه‌ای، یا قرمز مشخص شده‌اند؛ عموماً پخت ناکافی داشته و تمپر آن‌ها شن در اندازه‌های مختلف است، اگرچه درجه مهمی از تغییرپذیری در پخت سفال‌ها وجود دارد، اما نمونه‌های بسیاری وجود دارد که به‌خوبی پخته شده‌اند. مغزها، معمولاً استحاله شده و سطوح بیرونی آن‌ها اغلب اکسیده است، به‌علاوه شمار مهمی از نمونه‌ها حرارت ناکافی داشته و سه طیف رنگی را در مقطع تولید کرده‌اند (Batiuk, 2000:155). سفال مفرغ قدیم شمال غرب، باوجود دارا بودن ویژگی‌های سفالی فرهنگ کورا-ارس، تنوع شکلی آن‌ها چشم‌گیر است، به‌عنوان نمونه در دو محوطه کهنه‌پاسگاه و کهنه‌تپه ظهور فرم‌های جدید همراه با تنوعاتی در گونه (ر. ک. به: زبان‌بند، ۱۳۸۹: طرح‌های ۲۹-۲۵ و ۵۴) که مشابهتی با اشکال شناخته شده محوطه یانیق ندارند، می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ای از تغییر در شیوه معیشتی باشد یا نوآوری در پخت یا ذخیره! در اشاره به وجود سنت سفالی کورا-ارس در این محوطه‌ها، رنگ سفال و همچنین شباهت فرمی با سفال یانیق ویژگی مورد تأکید بوده است، اما در این مقایسه‌ها برآورد نشده است که ظروف قابل مقایسه با محوطه یانیق چه میزان شباهت را نشان می‌دهند و در چند درصد از آن‌ها این شباهت سفالی برقرار است؛ البته هدف ریز کردن این مقایسات و تقسیم‌بندی‌ها نیست، بلکه شناخت تنوع فرمی و شناسایی فرم‌های جدید و این‌که برتری گونه‌های جدید در محوطه‌ها به چه میزان است.

نتیجه‌گیری

در این تحلیل، در گام نخست سفال‌ها در ۴ گروه گونه‌شناسی گردیدند که علاوه‌بر این‌که شناختی از تنوع گونه‌ها در محوطه‌ها امکان‌پذیر شد، سهولت در مقایسه نیز، ممکن گردید. نتایج مقایسات انجام گرفته، نمونه‌های سفالی به‌لحاظ فرمی ارتباط اندکی را با سنت سفالی محوطه یانیق نشان می‌دهند. هر چند تاکنون،

سفال این محوطه‌ها در ارتباط با ویژگی‌های زیست‌بوم‌شناختی مورد مطالعه قرار نگرفته است، ولی به نظر می‌رسد بین این محوطه با محوطه‌های دیگر، ارتباط فرهنگی اندکی وجود داشته است؛ عدم حضور سفال‌های شاخص محوطه یانیق در محوطه‌های مذکور، می‌تواند شاهد این ادعا باشد. از سویی دیگر، وفور نقوش تزئینی در روی سفال‌های یانیق، می‌تواند حامل پیام‌های اجتماعی^۱ در محدوده استقرار ساکنان یانیق باشد و شاید یا با احتیاط، بتوان گفت بین این محوطه با محوطه‌های دیگر برهم‌کنش بین محوطه‌ای اتفاق نیفتاده است و هم‌گونی قابل ملاحظه‌ای، به غیر از ویژگی‌های فنی در مجموعه‌های سفالی محوطه‌ها دیده نمی‌شود؛ هرچند در دو محوطه کهنه‌پاسگاه و کهنه‌تپه که در فاصله نزدیکی به هم قرار دارند، هم‌سانی سفالی بین دو محوطه در اشکال سفالی قابل توجه وجود دارد. ویژگی مهم دیگر محوطه کهنه‌تپه‌سی، وجود گوری است که به صورت یک مقبره تدفینی کشف شده است؛ ظروف سفالی تدفین شده به همراه این فرد، از نوعی بود که با تنوعی در فرم لبه و زاویه بدنه در این محوطه و محوطه هم‌جوار آن کهنه‌پاسگاه حضور دارند که وجود این نوع سفال در بافت تدفینی به احتمال نشان‌دهنده اهمیت این‌گونه سفالی و تحول سفالی در حوضه سد خداآفرین است. مجموعه سفالی یانیق، اشکال خاصی را در برمی‌گیرد که با تنوع چشم‌گیری در این محوطه حضور دارند، ولی پراکندگی گونه‌های مذکور در محوطه‌های دیگر، چندان چشم‌گیر نیست؛ از این‌رو با توجه به نمودار ۲، می‌توان گفت نمونه‌های سفالی قابل مقایسه با سفال یانیق درصد بسیار اندکی را در محوطه‌ها شامل می‌شود که استفاده از عنوان یانیق، چه به‌عنوان اشاره به محوطه یانیق به کار رود یا اشاره به فرهنگ کورا-ارس، مقبول نیست. شاخص بودن انواع و نقوش سفالی محوطه یانیق بر کسی پوشیده نیست اما، اقتباس نام محوطه برای نام‌گذاری فرهنگی در پیش از تاریخ، سال‌هاست که مردود شده است و هم‌چنین با توجه به این‌که منشأ و شکل‌گیری فرهنگ کورا-ارس در این محوطه شناخته نیست و فاز II و III کورا-ارس در این محوطه مستند شده است، عنوان کاملی نیست؛ هدف جستار حاضر این نیست که این عنوان را از مجموعه اصطلاحاتی که در گذشته دور و نزدیک برای اشاره به این پدیده به کار رفته است، حذف نماید؛ بلکه تأکید بر عدم تداوم در استفاده از این عنوان براساس مطالعات انجام گرفته بر روی سفال‌ها بوده است.

کتابنامه

- آقالاری، بایرام، ۱۳۸۷، گزارش دومین فصل کاوش باستان‌شناختی کهنه‌پاسگاه‌سی (حوضه آبگیر سد خداآفرین)، مرکز اسناد پژوهش‌گده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- زبان‌بند، نسرین، ۱۳۸۹، فرهنگ یانیق (کورا-ارس) در شمال غرب ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی، (منتشر نشده).
- زلفی، علی و آقالاری، بایرام، ۱۳۸۶، گزارش کاوش باستان‌شناختی کهنه‌تپه‌سی (حوضه آبگیر سد خداآفرین)، مرکز اسناد پژوهش‌گده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- عابدی، اکبر، ۱۳۹۰، بررسی و تحلیل داده‌های باستان‌شناختی محوطه کول‌تپه

1. (Pollock 1989).

جلفا و مقایسه تطبیقی - تحلیلی یافته‌های آن با مناطق همجوار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، (منتشر نشده).
- علیزاده، کریم، ۱۳۸۹، «فرهنگ کورا-ارس، ماوراءقفقاز یا فرهنگ یانیق»، باستان‌شناسی ایران، ۱، ۶۸-۸۵

- Abedi, A., H. Khatib Shahidi, C. Chataigner, K. Niknami, N. Eskandari, M. Kazempour, A., Pirmohammadi, J. Hoseinzadeh, and GH. Ebrahimi 2014. Excavation at Kul Tepe of (Jolfa), North-Western Iran, 2010: First Preliminary Report, Ancient Near Eastern Studies, Vol. 51: 33-167.
- Burney, C.A., 1958. Eastern Anatolian in the Chalcolithic and Early Bronze Age. Anatolian Studies 18: 157-209
- Burney, C.A., 1962. The Excavation at YanikTepe, Azarbaijan, 1961: Second Preliminary Report. Iraq 24,)2(:134-152
- Burney, C.A., 1970. Excavation at Haftavan Tepe 1968: First Preliminary Report, Iran 8: 157-171
- Burney, C.A., 1972. Excavation at Haftavan Tepe 1969: Second Preliminary Report, Iran 10: 127-143
- Burney, C.A., 1975. Excavation at HaftavanTepe. 1973: Fourth Preliminary Report. Iran 13: 149-164
- Burney, C.A., D.M. Lang, 1971. The people of the hills. ancient Ararat and Caucasus. Praeger Publishers. New york.
- Burton, B.T. 1951. Excavation in Azarbaijan 1948. London.
- Cameron, A. P., 2012, Ceramic Production: A Companion to the archaeology of the Ancient Near East I, Edited by D.T.Potts: 279-294
- Kushnareva, K.Kh.,1997. The Southern Caucasus in Prehistory: Stages of Cultural and Socioeconomic Development From the Eight to the Second Millennium B.C., University of Pennsylvania Museum Publications.
- Maziar, S., 2010. Excavations at Kohne Pasgah Tepesi, the Araxes Valley,Northwest Iran: First Preliminary Report, Ancient Near Eastern Studies 47: 165-193
- Pollock, S., 1983. Style and Information: An Analysis of Susiana Ceramics, Journal of Anthropological Archaeology 2: 354-390
- Sagona, A., 1982. the Caucasian region in the early bronze age. Oxford: BAR International series 214. Part I.
- Stephan, B., 2000. Petrographic Analysis of Early Transcaucasian Ceramics from the Bayburt Region, North Eastern Anatolia:An Exploratory Study, Ancient Near Eastern Studies 37:153-163
- Summers, G.D., 1984. A study of Architecture, Pottery and other material from Yanik Tepe, HaftavanTepe VIII and Related Sites, Ph.D. Dissertation, Department of Anthropology. University of Manchester..
- Summers, G.D., 2004. YanikTepe and the Early Trans-Caucasia Culture: Problems and Perspectives. Ancient Near Eastern Studies: 617-643.